فصلنامه پژوهشی اندیشه نوین دینی، شماره ۳، زمستان ۱۳۸۴ صفحات (۱۹۵-۲۱۹)

نقش اندیشه‌های کلامی در تاریخ نگاری مسلمانان

علی کربلایی پازوکی[۱]

چکیده

اندیشه‌های کلامی در تاریخ نگاری مسلمانان قابل ردیابی و اثبات است. سه اثـر تاریخی شیعه الارشاد شیخ طوسی، اعلام الوری طبرسی و کشف الغمه اربلی در این مقاله به شیوه مورد پژوهانه بررسی می شود و درآمیختگی گرایشات کلامی و روشهای تاریخ نگـاری را نشـان مـی دهنـد. نویسـندگان ایـن ااثـر در مـوارد متعددی آگاهانه یا ناآگاهانه اعتقادات کلامی و مذهبی خود را در کتب تـاریخی یاده شده دخالت داده‌اند.

کلید واژه‌ها

علم کلام، تاریخ نگاری، الارشاد، اعلام الوری، کشف الغمه

۱) طرح مسأله

مورخانی که دارای گرایشات کلامی و اعتقادیند، بر اسـاس همـان نگـرش بـه گـزارش و بررسی پدیده‌های تاریخی می‌پردازند و سـعی دارنـد از وقـایع تـاریخی در جهـت اثبـات دیدگاه‌های کلامی بهره ببرند. هر یک از اندیشه‌های کلامی مورخ می‌تواند نقش پیـدا یـا

۱.گره معارف دانشگاه علامه طباطبائی

پنهانی در تحلیل و نقد گزارش‌های تاریخی و نقل کیفی و کمی آنها داشته باشد. البته استفاده‌های کلامی از حوادث تاریخی، جدای از تحریف حقایق تاریخی است که به وسیله بعضی از مورخان در گزارش پاره‌ای از حوادث تاریخ اسلام صورت گرفته است (عاملی، ۱۳۷۲، ۱۳۴/۲)

مقاله حاضر به رصد کردن نقش اندیشه‌های کلامی مورخ در تاریخ نگاری اسلامی می‌پردازد. به دلیل گستردگی چنین مطالعه‌ای لازم است، دامنه آن محدود شود. لذا دامنه تحقیق را در سه اثر تاریخی کهن و مهم شیعه الارشاد، إعلام الوری باعلام الهدی و کشف الغمه محدود می کنیم، تا در پرتو بررسی تطبیقی آنها، ابعاد مسأله مورد تحقیق روشن و پاسخ لازم را بیابد.

این سه اثر تاریخی همراه با روضه الواعظین محمد بن فتال نیشابوری (م ۵۰۸ ق) از با ارزش‌ترین مصادر و منابع تاریخی‌اند که از قرن ۵ ق تا قرن ۷ ق به نگارش درآمده، و در آنها دیدگاه‌های تاریخی شیعه درباره سیره رسول خدا (ص) و شرح حال زندگانی حضرت فاطمه (س) و ائمه اثنی عشر (ع) و مناقب آنان جمع آوری شده است. این سه کتاب، رویکرد تاریخی محض ندارند، زیرا نویسندگان آنها که از متکلمان و مفسران بزرگ جهان اسلام اند کوشیده‌اند ذیل نقل بسیاری از اخبار و وقایع تاریخی از این حوادث جهت اثبات حقانیت دیدگاه‌های اعتقادی شیعه بهره‌های کلامی لازم را ببرند. این امر گاه در قالب تحلیل های عقلی و روایی آمده و گاه چینش مطالب تاریخی به صورتی بیان شده که هدف یاد شده را محقق می سازد.

شرایط و اوضاع مذهبی، سیاسی و اجتماعی حساس اما متفاوتی که این سه کتاب در آن به نگارش درآمده‌اند سبب پیدایش فراز و نشیب‌هایی در نحوه نگرش کلامی مؤلفان آنها به حوادث تاریخی گردیده که بازخوانی آنها در فهم اندیشه‌های تاریخی مسلمانان و آشنایی آنان با سرمایه‌های فرهنگی جهان اسلام تأثیر بسزایی دارد. به علاوه دیدگاه‌های تاریخی و کلامی این مؤلفان نقش مهمی در آرای متأخران در مورد تاریخ شیعه داشته است. هر چند در این نوشتار توصیف مسأله مد نظر نیست، از آنجا که تبیین مسبوق بر توصیف است، پیش از پرداختن به تبیین ، نکاتی در روشن شدن مسأله بیان شده است. آنگاه دیدگاه‌های کلامی و تاریخی شیخ مفید در کتاب *الارشاد* و

امین الاسلام طبرسی در کتاب *اعلام الوری* و اربلی در کتاب *کشف الغمه* بیان گردیده و در نهایت به بررسی تطبیقی و تحلیلی دیدگاه‌های کلامی در این سه اثر پرداخته و نسبت بین آنها را از منظر تأثیر دیدگاه‌های کلامی در تحلیل حوادث تاریخی جستجو می کنیم.

۲) اهمیت سه اثر تاریخی الارشاد، اعلام الوری و کشف الغمه

هرچند با تلاش فراوان پژوهشگران مسلمان، تاریخ نگاری بخش عظیمی از فرهنگ مکتوب تمدن مسلمانان را به خود اختصاص داده است (زیدان، ص ۵۰۳)،متأسفانه تاریخ نگاری اسلام از آسیب‌ها و آفت‌های چندی نیز رنج می‌برد. فاصله زمانی میان مورخ و نقل و ثبت پدیده‌های تاریخی، اختلاف امت و پیدایش فرقه‌های مختلف با گرایشات متفاوت مذهبی سیاسی اجتماعی، تعصب و فشار فرمانروایان اموی و عباسی، منع تدوین حدیث به وسیله خلفا تا زمان عمربن‌عبدالعزیز (۹۹ – ۱۰۱ ق) مجموعه عواملی است که سبب گردیده تا بعضی از واقعیتهای تاریخ اسلام در ارتباط با زندگانی ائمه (ع) در هاله‌ای از ابهام قرار گیرد و حتی نام تعدادی از آنان در کتابهایی با عنوان تاریخ اسلام، آورده نشود (اربلی، ۱۴۰۱، ۵۰/۱). در حالی که در مورد تاریخ خلفاء کتابهای مستقلی مانند *الامامه و السیاسه* ابن قتیبه دینوری (م ۲۷۶ ق) نگارش یافته در دوره‌های آغازین تاریخ نگاری اسلامی تک نگاری‌هایی به وسیله مورخانی که دارای گرایشات شیعی بوده‌اند، در مورد زندگانی و تاریخ بعضی از امامان شیعه (ع) نوشته شد، مانند *مقتل الحسین* از لوط بن یحیی بن سعید بن مخنف بن سلیم ازدی (۹۰ – ۱۵۷ق) و *رقعه الصنفین* از نصربن مزاحم بن سیار منقری (م ۲۱۲ ق) و یا *تاریخ یعقوبی* از احمدبن‌اسحاق بن جعفربن‌و هب‌بن واضح (م ۲۸۴ ق) که دایره المعارف گونه رویدادهای آغاز خلقت تا قرن ۳ ق یعنی زمان امام حسن عسگری (ع) را در قلمرو تاریخ جای داده است. این رویه در تاریخ نگاری مسلمانان ادامه داشت تا این که در اوایل قرن ۵ ق شیخ مفید کتاب *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد* و در قرن ۶ ق امین الاسلام طبرسی کتاب *إعلام الوری بأعلام الهدی* و در قرن ۷ ق علی‌بن عیسی

اربلی کتاب *کشف الغمه فی معرفه الائمه* را در مورد زندگانی معصومان (ع) تألیف نمودند.

با توجه به اینکه دامنه این تحقیق در مورد نقش اندیشه‌های کلامی در تاریخ نگاری اسلامی محدود به این سه اثر است در ابتدا به اختصار به بیان شخصیت برجسته مؤلفان و معرفی اجمالی این سه اثر می‌پردازیم.

۲ – ۱ – کتاب الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، شیخ مفید (۳۳۶ – ۴۱۳ ق).

ابوعبدالله محمدبن محمدبن نعمان بغدادی ملقب به شیخ مفید از عالمان برجسته شیعه، در قرن ۴ ق و دهه نخست قرن ۵ ق می زیسته است (ابن شهر آشوب، بی تا، ص ۳۱۶). شیخ طوسی یکی از شاگردان شیخ مفید، در وصف او در *الفهرست* بیان می دارد: محمدبن محمدبن النعمان مکنی به ابی عبدالله معروف به ابن معلم از متکلمان شیعه است که در دورانش ریاست شیعه به او منتهی می‌شد (طوسی، ص ۲۳۸). وی در زمان سلطان مقتدر آل بویه، عضد الدوله، شیخ مفید و شیعیان از حمایت او و فرمانروایان اطراف بغداد برخوردار بودند (ابن کثیر، ۱۷/۱۲).

از شیخ مفید دو کتاب مهم تاریخی بر جای مانده است، *الجمل* و *الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد*، کتاب *الارشاد* قدیمی‌ترین کتاب منظم و مفصل در تاریخ زندگی ائمه (ع) است. نجاشی (۱۴۰۸ ق، ص ۱۰۶۷)، شیخ طوسی (۱۴۱۷ ق، ص ۷۱۱)، ابن شهر آشوب (ص، ۳۱۶) و آقا بزرگ طهرانی (۵۰۹/۱ – ۵۱۰) کتاب *الارشاد* را از مصنفات شیخ مفید شمرده‌اند.

کتاب الارشاد شرحی درباره زندگی امامان شیعه (ع) است که در آن شیخ مفید به ذکر تاریخ تولد، شهادت، حوادث دوران زندگی هر امام (ع)، دلائل امامت و مدت آن معجزات، کرامات و تعدادی از اخبار آنان پرداخته است. این کتاب به صورتی تدوین یافت که وقایع تاریخی در آن با گرایشات کلامی و اعتقادی همراه است. شیخ مفید در *الارشاد* به حوادث مهم تاریخی صدر اسلام و زندگی پیامبر (ص) و فاطمه زهرا (س) در حیات سیاسی، اجتماعی و نظامی و اعتقادی حضرت علی (ع) اشاره میکند. حجم مطالب نقل شده در مورد هر امام نیز با توجه به اوضاع و شرایط سیاسی و اجتماعی دوران آن امام متفاوت می‌باشد.

شیخ مفید در مقدمه، انگیزه‌اش را از تألیف کتاب *الارشاد پاسخ به تقاضایی برای نگارش کتابی در مورد تاریخ زندگی، حوادث دوران و نامهای ائمه (ع) ذکر می‌کند (شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق، ۴/۱). به علاوه زمان نگارش این کتاب اوج مباحثات و مناظرات کلامی، فقهی و تاریخی میان دو فرقه مهم اسلامی، شیعه و اهل سنت بود.*

روش الارشاد

کتاب *الارشاد* علاوه بر اینکه بیانگر سابقه تاریخی و اعتقادی شیعه است، برای عموم شیعیان قابل استفاده است. هرچند لازمه این امر متنی قابل درک برای عموم، و عدم ذکر سلسله سند اخبار و وقایع می‌باشد، شیخ مفید توجه به ذکر منابع و مصادر نیز داشته است.

هر چند بعضی از نقل های او مرسل است. کتاب *الارشاد* در واقع با انگیزه‌های کلامی و برای اثبات امامت امامان شیعه به مسائل تاریخی نظر دارد. شیخ مفید علاوه بر نقل با تفسیر و تحلیل های عقلی که ذیل اخبار آورده، از نقل حوادث بهره‌های کلامی فراوانی برده است، و این امر سبب گردیده تا کتاب تاریخی او جنبه کلامی نیز داشته باشد.

بسیاری از مورخان بعد از شیخ مفید در نگارش تاریخ معصومان (ع) به نحوی متأثر از او بوده‌اند. این امر را در کتاب های *إعلام الوری بأعلام الهدی* و *کشف الغمه* به وضوح می‌توان مشاهده کرد.

۲ – ۲ – کتاب إعلام الوری بأعلام الهدی، ابوعلی طبرسی (م ۵۴۸ ق) مدت عمرش به ۷۹ یا ۸۰ سال بالغ می‌گردد، متجاوز از ۵۰ سال در مشهد مقدس اقامت داشت و به علت قرابتش با سادات آل زواره که از اشراف و متنفذان آن سامان بودند، در آن شهر معزز و مکرم می‌زیست.

سید محسن امین در کتاب *أعیان الشیعه* می‌گوید: وفور علم و دانش و کمالات عالیه طبرسی بر همگان واضح و مبرهن است و وثاقت و عدالت او نیز نزد علمای رجال محرز می‌باشد (امین، ۱۳۴۱، ۳۹۸/۸).

از جمله مهمترین مصنفات طبرسی کتاب *إعلام الوری بأعلام الهدی*، *تفسیر مجمع البیان* و *جوامع الجامع* است. طبرسی در ابتدای کتاب *إعلام الوری* فصلی مستقل

درمورد زندگانی و معجزات و غزوات پیامبر (ص) ذکر می‌کند یک سوم کتاب *إعلام الوری* را زندگانی پیامبر (ص) و روایات مربوط به آن تشکیل می دهد. طبرسی در مورد زندگی امام علی (ع) و زندگانی و مقتل امام حسین (ع) به تفصیل سخن می‌گوید اما درباره زندگی سایر معصومان، مطالب کمتری را آورده است. نام این کتاب در بیشتر کتب قدما آمده است (نک : *فهرست منتجب الدین*، ص ۳۳۶؛ افندی، ۳۱/۴؛ مجلسی، ۹۱/۱). کتابی به نام *ربیع الشیعه* در زمرده تالیفات سید رضی الدین بن طاووس موجود که مطالب آن همان مطالب کتاب *اعلام الوری است. (امین، ۱۳۴۱، ۳۹۹/۸). در اینکه* ربیع الشیعه *همان اعلام الوری طبرسی است یا کتاب مستقلی از سید بن طاووس اختلاف است، آقا بزرگ* در الذریعه *(۱۴۰۳ق، ۲۴۰/۲، ۷۵/۱۰) به اینکه* ربیع الشیعه *همان اعلام الوری* است تصریح کرده است.

اعلام الوری که به یکی از شاهان شیعه مازندران (۵۱۱ – ۳۴ ق) تقدیم شده، (جعفریان، ص ۵۱۴ – ۵۱۵) در دوره‌ای نوشته شده است که شیعیان گرچه در ایران فراونند اما بیشتر نقاط، اهل سنت حاکمیت دارند.

روش إعلام الوری

طبرسی همانند عالمان شیعه همه دوره خود (قرن ۶ و ۷ ق) در ایران، مثل عبدالجلیل قزوینی و قوامی رازی، شیعه‌ای معتدل است (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۳۶۱) و این موضع معتدلانه به قلم او عفت و انصاف خاصی بخشیده، به طوری که به نقل اقوال و روایات منقول از مجرای مخالفان نیز پرداخته و کلامش از طعن و اعتراض نسبت به مخالفان خالی است. او در مقدمه می‌گوید: از بهترین و صحیح ترین امور آن است که مسائل (تاریخی) به صورتی بیان شود که مورد پذیرش معتقدان و منتقدان آن قرار گیرد (همان، ص ۳۸).

طبرسی در شرح مطالب نه طریق افراط را پیموده که از خرد دور شود و نه طریق تفریط را در پیش گرفته که موضوعات را ناقص بگذارد. شیوه او در بحث از زندگانی ائمه (ع) همانند کتاب *الارشاد* است.

طبرسی مانند بسیاری از کسانی که در مورد تاریخ ائمه ع) کتاب نوشته اند، علاوه بر ذکر مطالب تاریخی در مورد زندگانی آنان به نقل مناقب و فضائل و کرامات آنان نیز پرداخته، و مسائل تاریخی را از منظر کلامی مورد بررسی قرار داده است. این دیدگاه کلامی را می‌توان در مواردی مشاهده کرد. که او به ذکر ادله امامت، آنان بعد از بیان احوال شخصی می‌پردازد.

علاوه بر شیوه معتدل در تاریخ نگاری (با حفظ اصول) که به وسیله بسیاری از تاریخ نگاران بعد از او از جمله علی‌بن عیسی اربلی مورد تبعیت قرار گرفت. آنچه بر اهمیت کار او می افزاید گزارش‌های تاریخی از کتاب هایی است که اصل آنها در اختیار ما نیست. مانند کتاب *اخبار ابی هاشم جعفری* (همان، ۱۹۸/۲) و *نوادر الحکمه* ابی جعفر احمدبن محمدبن عیسی اشعری قمی و مهمتر از همه کتاب *المغازی* ابان‌بن عثمان‌بن احمد بجلی کوفی (همان، ۱۸۳/۱). ابان از اصحاب امام باقر (ع) و امام صادق (ع) بوده و اخبار زیادی را در تاریخ ائمه از آن دو امام در کتابش ذکر نموده است. دسترسی ما به آن کتابف فقط از طریق نقلهایی است که طبرسی قسمتهای زیادی از آن را در *إعلام الوری* آورده است (جعفریان، ۱۳۷۶، ص۱۹۷). وی از کتاب *دلایل النبوه* بیهقی (طبرسی، ۴۱۷ ق، ق ، ۳۸۵/۱) و *تفسیر روایی* علی‌بن ابراهیم قمی نیز اخبار تاریخی زیادی را نقل می‌کند که بر اهمیت کتاب *إعلام الوری* افزوده است. زیرا علی‌بن ابراهیم اخبار صحیح زیادی را از امام باقر و امام صادق (ع) روایت می‌کند.

۲ – ۳ – کتاب کشف الغمّه فی معرفه الائمه، علی‌بن عیسی اربلی (۶۲۰ – ۶۹۲ ق)

اربلی به دلیل برخورداری از هوش و استعداد فوق العاده و شخصیت برجسته پدرش، در سال ۶۳۴ ق پیش از حمله مغول به اربیل، عهده‌دار ریاست دیوان الانشاء ابوالصلای الحسنی حاکم اربیل شد (کتبی، ۱۹۷۴م، ۵۷/۳) وی را از ادیبان و کاتبان برجسته آخرین سالهای حکومت عباسی و دورهٔ نخست حکومت ایلخانان مغول می‌توان برشمرد (جعفریان، ۱۳۸۰، ۵۴۸/۲). اربلی از جمله شیعیان فرهیخته قرن ۷ ق است که افزون بر کار اداری، آثاری در تاریخ و ادب از خود به یادگار گذاشته است. وی با بسیاری از دانشوران عصر خود ارتباط نزدیک داشت و با وجود اعتقاد به مذهب شیعه دوازده امامی‌با عالمان اهل سنت نیز پیوند دوستی برقرار کرده است. البته عالمان برجسته

شیعه آن روزگار عراق نیز از دوستان وی بوده‌اند، او با سید ابن طاووس (م ۶۶۴ ق) عالم بزرگ شیعی ارتباط نزدیک داشته و خواجه نصیرالدین طوسی (م ۶۷۲ ق) از دوستان او بوده است (ابن فوطی، ۱۳۸۱، ص ۲۷۲ – ۲۷۳۹).

کتاب *کشف الغمه فی معرفه الائمه* مهمترین تألیف علی‌بن عیسی اربلی است. این کتاب که در آن شرح حال زندگی معصومان (ع) و مناقب، فضائل و معجزات آنان جمع‌آوری شده، در دو جزء تنظیم و تدوین گردیده است و نگارش جزء اول آن در سال ۶۷۸ ق و جزء دوم آن در سال ۶۸۲ ق به اتمام رسانیده است (طهرانی، ۱۴۰۳ ، ۴۷/۱۸-۴۸). اربلی جزء اول را با شرح حال کوتاهی از رسول خدا (ص) غاز می‌کند. و بر این باور است که مسائل و حوادث تاریخ پیامبر (ص) مورد اجماع است. بنابراین به تفصیل در مورد آن سخن نمی‌گوید، بلکه هدف او از ذکر این مختصر نیز صرفاً تیمن و تبریک بوده است (اربلی، ۱۴۰۱ ق ، ۵/۱) . وی در ادامه جزء اول کتاب به صورت مفصل به شرح حال زندگی و مناقب امام علی (ع) می‌پردازد و در پایان آن فصلی را در بیان وقایع مربوط به خواستگاری علی (ع) از حضرت فاطمه (س) اختصاص می دهد. در جزء دوم اربلی به شرح حال زندگی و فضائل فاطمه زهرا (س) و سایر امامان شیعه پرداخته و حوادث دوران هر امام را همراه مناقب و فضائل و کرامات آنها بیان می‌کند.

اربلی در مقدمه کتاب *کشف الغمه* بعد از گلایه از اهل سنت که در کتاب‌هایشان به تاریخ و فضایل امامان شیعه نپرداخته و حتی علمای آنان نام بعضی از امامان (ع) را نمی‌دانند همانجا ، انگیزه اش را از تألیف کتاب بیان تاریخ و شخصیت معصوم بیان می‌کند. تا با واضح شدن کمالات بر حق آنان دشمنان ائمه از سّب آنان منع شوند و غلوکنندگان درباره ائمه نیز دست از این عمل خود بردارند (همان، ص ۶).

روش *کشف الغمه*

اربلی اساس کار خویش را در تدوین کتاب *کشف الغمه*، بر گردآوری از متون و آثار گذشتگان در شرح حال امامان شیعه (ع) قرار داده است، زیرا عمده مطالب کتاب نقلهای کوتاه و بلندی می‌باشد که از کتابهای دیگر اخذ شده است. آنچه علاوه بر تنظیم مطالب از طرف اربلی انجام گرفته، افزودن توضیحات و نقدهایی است که ذیل بعضی از

روایات آورده، و در پایان زندگی هر یک از ائمه (ع) قصیده‌ای در مدح و ستایش آنان سروده است به دلیل ابتکاری که اربلی در تدوین این کتاب به کار برده است، این کتاب مورد علاقه تمامی‌شیعیان و بسیاری از اهل سنت می‌باشد. زیرا مؤلف کتاب، بنای خود را بر نقل مطالب از کتب جمهور قرار داده و موضع معتدلی را در تدوین مطالب اتخاذ نموده است (جعفریان، ۱۳۸۰، ۶۰۱/۲ – ۶۰۲) . اگر در موردی، مطلبی در مورد ائمه (ع) در کتب اهل سنت موجود نیست او از کتب اصحاب (شیعه) آن را نقل می‌کند (همان، ص ۵).

کشف الغمه از منظر کلامی به بسیاری از پدیده‌های تاریخی می‌نگرد. اربلی به هنگام نقل تاریخ از هر امام (ع)، مختصری از ادله اثبات امامت، مناقب، فضائل او و بعضی اخبار و معجزات و کرامات آنان را نیز ذکر می‌کند. وی معتقد است مواردی را که هر دو طائفه (شیعه و سنی) بر صحت آن توافق دارند و تردیدی در صحت آن روا نیست (همان، ۴/۱).

نقل مطالب از کتب عامه شیوه‌ای است که در کتابهای کلامی مربوط به امامت از قدیم مورد تبعیت عالمان کلامی‌شیعی بوده است، همانطور که سیدبن طاووس حسنی نیز در *الیقین* بنای خود را بر نقل از کتب عامّه می‌گذرد و اربلی نیز که بسیاری از شیوخ او سنی بوده‌اند طبعاً از آثار حدیثی اهل سنت استفاده زیادی کرده است.

اربلی مشکلاتی را که در زمان تألیف این کتاب گرفتار آن بوده (اشاره به رخدادهای مربوط به روی کار آمدن سعدالدوله یهودی) (کتبی، ۱۹۷۴، ۵۷/۳-۵۸) مانع از آن دانسته تا نسخه‌ای بی‌غلط از *کشف الغمه* فراهم آورد . او می‌گوید: «این کتاب را بازنویسی و مرور نکرده ام و فرصتم تنگ‌تر از آن است که به این مسائل بپردازم... به خصوص اینکه کتابهایی را نیز که برای تدوین این کتاب فراهم کرده بودم غارت شده در حالی که هیچ نقلی از بعضی از آنها در این کتاب نیامده است» (همان، ۳۰۶/۱؛ جعفریان، ۱۳۷۳، ص ۷۹).

۳) اندیشه‌های کلامی در کتاب *الارشاد*، *اعلام الوری*، *کشف الغمه*

۳ – ۱ – دیدگاه‌های کلامی‌شیخ مفید در کتاب *الارشاد*

شیخ مفید در دوره‌ای زندگی می‌کند که پادشاهان آل بویه با گرایشات شیعی حاکمیت دارند و شیخ و شیعیان از حمایت آنان برخوردارند. همین امر سبب گردیده کتاب *الارشاد* با انگیزه‌های تاریخی و کلامی و به منظور اثبات حقانیت امامت امامان شیعه نگاشته شود. و شیخ ذیل بسیاری از اخبار تاریخی به بررسی و تحلیل آنها پرداخته و از آنها استفاده‌های کلامی نموده است که به ذکر نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم:

۱ – شیخ مفید در کتاب *الارشاد* فصل و جداگانه‌ای درباره زندگی پیامبر (ص) و فاطمه زهرا (س) نگشوده است و تاریخ پیامبر (ص) را به هنگام بیان نقش علی (ع) در وقایع مهم صدر اسلام، مانند وقایع یوم الانذار، یوم الغدیر، حوادث مربوط به غزوات، وفات النبی و ... ذکر می‌نماید.

۲ – شیخ مفید بعد از نقل جریان وفات پیامبر (ص) می‌گوید: امت درباره امامت حضرت علی دو دسته شدند (مفید، ۱۴۱۳، ۶/۱-۷) شیعه می‌گوید: او پس از رسول خدا خلیفه و امام است زیرا آن حضرت برتر از دیگران بود و تمام جهات فضیلت و رأی و کمال در او گرد آمده، در ایمان به خدا، گوی سبقت را از همگان ربوده، در دانش و علم به احکام، سرآمد دیگران گردید، در جهاد پیشرو آنان بوده، در قرابت با رسول خدا (ص) کسی همانند او نیست و به دلیل نص بر ولایت او در قرآن *(مائده / ۵۵)* بر اهل اطلاع روشن است کسی جز او در حال رکوع زکات نداد. و در علم لغت نیز ثابت شده است و اختلافی در این مورد نیست که «ولی» به معنای آولی یعنی برتر و سزاوارتر است و آنگاه به صریح قرآن *(مائده/ ۵۵)* ثابت شد، امیرالمؤمنین «ولی» مردم است، به همان صورت که اطاعت خدای تعالی و رسول او بر همه مردم به نص همان آیه واجب است، اطاعت از امیرالمؤمنین نیز بر همه واجب است. دلیل دیگر بر امامت آن حضرت سخن پیامبر خطاب به علی (ع) در جریان یوم الدار است ... . پیامبر خطاب به او فرمود: تو برادر و وصی و وزیر و وارث و جانشین پس از من هستی . این گفتار صریح و روشن درباره جانشینی آن حضرت است. و نیز دلیل دیگر گفتار حضرت (ص) در روز غدیر خم است

آنگاه که مردمان را گرد آورد ... و فرمود : «هر که من مولای او بوده‌ام علی مولای او است». با این جمله اطاعت و پیروی از او و ولایتش را بر مرم واجب فرموده همچنانکه اطاعت خودش بر انان واجب بود و در این باره از آنان اقرار گرفت ... و این فرمایش پیامبر (ص) از دلیل‌هایی است که صراحت آن در امامت و جانشینی آن حضرت روشن است. و نیز گفتار آن حضرت در هنگام حرکت به جانب تبوک است که درمورد علی (ع) فرمود : «نسبت تو به من همانند نسبت هارون به موسی است جز اینکه پس از من پیغمبری نیست» و بدین وسیله مقام وزارت و اختصاص در دوستی، و برتری بر همگان و جانشینی او را در زمان زندگی و پس از مرگش برای او ثابت کرد. زیرا قرآن کریم به همه اینها درباره‌هارون نسبت به موسی گواهی می دهد ... اما در مورد جانشینی‌اش، (خدای تعالی فرماید: که) موسی به‌هارون فرمود : «جانشین من باش در میان قوم من و اصلاح کن و از فساد کاران پیروی مکن» *(اعراف/ ۱۴۲)*. با این آیه خلافت هارون و جانشینی او از موسی ثابت می‌گردد. (با این بیان می گوییم) رسول خدا (ص) که تمامی مقامات هارون به جز مقام نبوت را برای امیرالمومنین قرار داد، از جمله مقامات هارون، جانشینی او پس از موسی بود با این حدیث پیامبر، این مقام نیز برای علی ثابت می‌گردد. این بود قسمتی از دلیل‌های روشن و صریحی که دلالت بر امامت و خلافت علی (ع) دارد و از این قبیل، دلیل‌های دیگری نیز هست که ذکر آنها کلام را به درازا می‌کشید.

۳ – شیخ مفید برای اثبات علم غیب علی (ع). به هنگام نقل جریان خوارج در جنگ نهروان از قول عبدالله‌بن جندب أزدی نقل می‌کند: با علی در جنگ جمل و صفین حاضر شدم و هیچ گونه شک و تردیدی در جنگ با آنان که با او [علی (ع)] جنگ می‌کردند، نداشتم. تا اینکه به نهروان رفتیم. پس درباره جنگ با آنان به شبهه افتادم و با خود گفتم، اینان قاریان قرآن و برگزیدگان مایند، آیا با اینان بجنگیم و آنها را بکشیم؟ پس بامدادی بود که بیرون رفته و همچنان گام بر می‌داشتم... در این هنگام سواری به دنبال آن حضرت می‌گشت، من عرض کردم: ای امیرمؤمنان این سوار به دنبال شما می‌گردد. فرمود: اشاره کن بیاید، آمد و عرض کرد: ای امیرمؤمنان «قد عبر القوم و قد فطعوا النّهر فقال: کلا ما عبروا» او گفت: این گروه (خوارج) از نهر گذشتند و

رفتند. حضرت فرمود: هرگز نگذشته‌اند. گفت: به خدا من نزد تو نیامدم جز اینکه پرچم‌ها و بارهای ایشان را در آن سوی نهر دیدم. فرمود: به خدا چنین نیست و همانجا (این سوی نهر) جای افتادن آنان بر زمین و محل ریختن خون‌شان است، و از جای برخاست و من نیز با او برخاسته در دل گفتم ... اگر دیدم خوارج از نهر گذشته‌اند [و علی (ع) دروغ گفت] من نخستین کسی باشم که به جنگ با او برخیزم و اگر نگذشته اند [و علی (ع) راست می‌گوید] در این جنگ با این گروه ثابت و پابرجا بمانم . پس آمدیم تا به صفوف دشمن رسیدیم و دیدیم که پرچم‌ها و بارهای خوارج همچنان به جای خود باقی است و [خوارج از نهر عبور نکرده‌اند] او گوید: در این موقع علی (ع) گریان مرا از پشت سر گرفته پیش کشید. سپس فرمود: ای برادر أزدی آیا حقیقت کامل بر تو روشن شده، عرض کردم: آری ای امیر مؤمنان.

شیخ مفید از این جریان تاریخی در اثبات علم غیب امام (ع) استفاده نموده که تنها با آن معجزات بزرگ برابری می‌کند. که در دل آن مردم بود و شناخت آنه در نفس هاست و این نشانه روشنی است که با آن برابری نکند جز آنچه مانند آن است از معجزات بزرگ.

۴ – شیخ مفید بعد از نقل جریان برائت و اینکه بر اساس دستور الهی اعلان برائت را باید رسول خدا (ص) یا کسی از خود او انجام می داد، می‌گوید: (همان / ۶۶) برای هر کسی از مردم فضیلتی که نزدیک با فضیلتی که درباره علی (ع) توصیف کردیم نیست ... و مثل آنچه ما از فضیلتهای علی (ع) برشمردیم، زیاد است، اگر همه را بیان کنیم کتاب طولانی می‌شود.

۵ – شیخ مفید بعد از نقل فداکاری‌های علی (ع) در جنگ حنین و بیان این مطلب که استقامت امیرالمومنین (ع) سبب نجات جان رسول الله (ص) و بازگشت سپاه فراری اسلام شد. از قول پیامبر (ص) نقل می‌کند «حق نزد علی (ع) در وجود او می‌باشد و او بهترین مردم است» بعد می‌گوید: (همان ۱۵۱/۱) «آن اعمالی را که غاصبان مقام علی درباره او انجام دادند مخالف این فرمایشات پیامبر (ص) است» .

۶ – شیخ مفید بعد از نقل جریان «یوم الانذار» می‌گوید : «این منقبت و فضیلتی بزرگ است که به امیرالمؤمنین اختصاص دارد و کسی در این مقام با او شریک نیست ...

و پیامبر (ص) به وسیله حضرت علی (ع) قادر به تبلیغ رسالت شد و اگر عمل علی (ع) نبود پیامبر (ص) نمی‌توانست اظهار دعوت کند و شریعت استقرار نمی‌یافت پس او یاور اسلام و وزیری است که از طرف خدا به سو یاو خوانده شده ست ... . و در ادامه آورده است: (همان ۵۱/۱) این فضیلت است که تمامی فضایل در منزلت و مقدار هم‌تراز آن نشوند. و این مقام آنچنان فضیلتی است که کوه با آن برابری نمی‌کند.

۷ – شیخ مفید بعد از برشمردن تعدادی از مناقب و فضائل امیرالمومنین، استدلالی عقلی بر برتری امیرالمومنین می آورد و می‌گوید: «این فضائل نیست مگر برای نبی مرسل یا ملک مقرب، علی نیز این فضائل را دارد، پس مقام او نیز مانند مقام نبی مرسل و ملک مقرب است (همان، ۱۹۲/۱).

قیاس این استدلال به این صورت است:

(قیاس شکل سوم) این فضائلی که برشمردیم فضائل مقام نبی مرسل و ملک مقرّب است.

این فضائل را علی (ع) دارد پس مقام نبی مرسل و ملک مقرب را علی (ع) داراست. استفاده کلامی از حوادث تاریخی در مورد زندگانی سایر ائمه نیز در کتاب الارشاد فراوان است که به جهت اختصار و به دلیل برجستگی شخصیت امیرالمؤمنین به ذکر مواردی در مورد زندگانی آن حضرت بسنده کردیم.

۳ – ۲ – دیدگاه‌های کلامی‌شیخ طبرسی در کتاب *إعلام الوری بأعلام الهدی*

امین الاسلام طبرسی در دوره‌ای زندگی می‌کند (۴۷۰ – ۵۴۸ – ق) که گرچه شیعیان در ایران فراوانند، حکومت در بیشتر نقاط در اختیار اهل سنت (سلجوقیان و حاکمیت‌های ملوک الطوائفی) است. همین مسأله سبب گردیده که نوشته‌های طبرسی و علامان هم دوره او به صورتی معتدل نگاشته شود تا باعث تحریک دیگران بر ضد شیعه نگردد (جعفریان، ۱۳۷۶ ، ص ۱۹۵) با وجود چنین شرایطی مؤلف کتاب أعلام الوری از حوادث تاریخی بهره برداری های کلامی لازم را در جهت اثبات حقانیت دیدگاه‌های شیعه نموده هر چند به مباحث اختلافی کمتر پرداخته است. به ذکر مواردی از آنها می‌پردازیم.

۱– طبرسی بعد از نقل جریان وفات پیامبر (ص) به بیان حوادث دوران امیرالمؤمنین (ع) می‌پردازد و در قسمت مربوط به دلایل امامت آن حضرت می‌گوید: با دلایل قطعی ثابت شده که امامت در هر زمانی لازم است. زیرا در انجام افعال واجبه و ترک کارهای زشت تأثیر مهمی دارد و امامت لطفی است که از طرف خداوند اعطاء شده است ... همچنین واجب است که این پیشوا معصوم باشد. زیرا احتیاج مردم به چنین پیشوایی به دلیل آن است که آنان معصوم نیستند و جایز الخطاء می‌باشند. اگر امام نیز مانند سایر مردم معصوم نباشد احتیاج به امام معصومی دارد و ... هنگامی که وجوب عصمت امام ثابت شد، شناختن این امام معصوم باید به معرفی پروردگار باشد. زیرا خداوند از اسرار و سرائر و ضمائر مردم خبر دارد ... با مطالعه در موضوع امامت به این مطالب بر می خوریم: مسلمانان پس از رحلت رسول خدا به سه گروه تقسیم شده‌اند. شیعیان که معتقدند امام بعد از حضرت رسول الله امیرالمؤمنین علی‌بن ابی طالب است و پیغمبر به امامت و خلافت وی تصریح کرده است. بنی العباس و طرفداران آنان عقیده دارند، عباس عموی پیغمبر امامت را به ارث می برد، بقیه مسلمانان نیز معتقدند که امام بعد از پیغمبر ابوبکر است. کسانی که به امامت ابوبکر و عباس عقیده دارند، اجماع کرده‌اند که این دو نفر معصوم نیستند و لذا از موضوع امامت خارج می‌شوند، زیرا که قبلاً گفتیم امام باید معصوم باشد. بنابراین امام معصوم بعد از پیغمبر جز علی کسی دیگر نمی‌تواند باشد و خداوند هم به امامت وی تصریح کرده است این مطالب مورد اتفاق کلیه فرق مسلمانان است و جز اقول سه گانه مذکور، قول دیگری دیده نشده است (طبرسی، ۱۴۱۷، ۳۱۳/۱). طبرسی یکی از ادله مهم در امامت ائمه را عصمت ذکر می‌کند و ضرورت وجود عصمت برای احراز مقام امامت را، در ابتدای نقل تاریخ تمام امامان متذکر می‌شود.

۲- طبرسی به هنگام بیان تاریخ زندگی حضرت زهرا (س) چندین استدلال عقلی و روایی بر عصمت حضرت زهرا ذکر می‌کند. او می‌گوید: قوی‌ترین استدلال بر عصمت فاطمه آیه تطهیر است. زیرا که عموم ملت اسلام اتفاق کرده‌اند بر این که مقصود از اهل بیت در آیه شریفه *(احزاب / ۳۳)* خاندان پیغمبرند و روایت از طریق شیعه و سنی رسیده است که این آیه مخصوص علی، فاطمه، حسن و حسین علیهم السلام می‌باشد

که پیامبر آنان را در زیر عباء خیبری جمع فرمود و سپس گفت خداوندا! این چند نفر خاندان من‌اند، پلیدی را از ایشان دفع کن (شبّر؛ ۶۳۲؛ و حاکم نیشابوری ۳، ۱۴۰۶/ ۱۳۳). پس طبرسی در ادامه می‌گوید: مراد از «اراده» درآیه *شریفه انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل بیت و یطهرکم تطهیرا (احزاب / ۳۳)* یا اراده صرف است که هنوز به مقام فعلیت نرسیده است یا اینکه فعلیت هم با او همراه است. موضوع اول که به مرحله فعل نرسیده باشد باطل است، زیرا که در این صورت اختصاص دادن این موضوع به اهل بیت رجحانی نخواهد داشت. زیرا همه مکلفان در این موضوع شرکت دارند... (به علاوه) مسلمانان اجماع کرده‌اند که این آیه فضیلتی برای اهل بیت بر سایر مردم است. بنا بر این مطالب دوم که اراده با فعل توأم باشد، ثابت می‌گردد که نتیجه آن اثبات عصمت کسانی است که مقصود آیه شریفه می‌باشند (همان، ص ۲۹۳).

طبرسی می‌گوید: دلیل دیگر بر عصمت حضرت زهرا (س) قول پیامبر (ص) است که فرمود: فاطمه پاره تن من است... کسی که فاطمه را اذیت کند مرا اذیت کرده است هر که مرا اذیت کند خداوند را اذیت کرده است و نیز فرمود: خداوند در هنگام خشم فاطمه خشمگین می‌گردد و در هنگام خوشنودی وی خوشنود است. اگر فاطمه معصوم نباشد، نباید اذیت کنندگان او در هر حال مانند اذیت کنندگان پیغمبر باشند (همانجا).

بیان شیخ طبرسی را در قالب قیاس شکل اول این گونه می‌توان بیان داشت:

هر کس فاطمه را اذیت کند پیامبر را اذیت کرده است.

هر کس پیامبر را اذیت کند خدا را اذیت کرده است.

نتیجه: هر کس فاطمه را اذیت کند خدا را اذیت کرده است.

پس کسی که خشم و رضایش ملاک خشم و خوشنودی خداست باید معصوم باشد زیرا اراده خداوند حکیمانه است و بر اساس مصالح و مفاسد واقعی به امور تعلق می گیرد.

۳ – شیخ طبرسی به هنگام بیان تاریخ زندگانی امام صادق (ع) بخشی از آن را به مناظرات کلامی امام صادق (ع) با افرادی مانند ابن ابی العوجاء، ابوشاکر دیصانی، ابن مقنع، سید حمیری و ... اختصاص داده است. از باب نمونه‌ای می‌گوید: ابوشاکر دیصانی روزی در مجلس حضرت صادق نشست و عرض کرد.... : ای دریای بی‌پایان به من بگو دلیل بر حدوث عالم چیست؟ حضرت فرمود من اینک نزدیکترین دلیل را برای فهم

همگان ذکر می کنم، حضت تخم مرغی طلبید و در کف دستشان گذاشتند و فرمودند: این مانند دژی است که اطراف آن به هم چسبیده و در درونش هم پوست سفیدی است که پیرامون آن را گرفته و درون آن نقره‌ای روان است. آیا در این مسأله شکی داری؟ گفت: شکی ندارم، امام فرمود: پس از اینکه تخم مرغ شکافته می‌شود، صورت‌هایی مانند طاووس از درون آن بیرون می آید. آیا غیر از این که دیدی چیز دیگری داخل آن کردند؟ گفت: نه فرمود : این خود دلیل حدوث عالم است (طبرسی، ۱۴۱۷ ، ۵۳۳/۱). حدوث مسبوق بودن شیء به دو عدم است. عدم سابق و عدم لاحق و چیزی که این دو عدم در مورد او صادق باشد حادث است. امام در مناظره دیگری با ابن ابی العوجاء به این امر اشاره دارد. امام در جواب سؤال او از حدوث اجسام می فرماید: (اصول کافی ۷۷/۱/) چیزی که از بین می رود و تغییر می‌کند، می‌تواند باشد و یا نباشد پس وجود آن بعد از عدمش بیانگر حادث بودن آن است، امام در این کلام خود اشاره به دو ویژگی ماده حادث دارد: ۱ – متغیر بودن در حالی که قدیم نباید متغیر باشد ۲ – عالم ماده مسبوق به عدم سابق و لاحق است و این با ازلیت سازگاری ندارد. پس عالم ازلی نیست و حادث است.

شیخ طبرسی بعد از بیان موقعیت خاص اسماعیل فرزند امام صادق(ع) نزد حضرت و ناراحتی شدید امام بعد از مرگ او می‌گوید: قبل از دفن اسماعیل، امام دستور داده جنازه اسماعیل را بر زمین بگذرند و کفن را باز کنند، تا همگان ببینند که او مرده است و این عمل چند بار تکرار شد. وی علت این امر را اینگونه ذکر می‌کند: تا عده‌ای به دلیل شخصیت برجسته اسماعیل و محبت زیاد امام نسبت به او تصور نکنند او نمرده و غیبت کرده است. همان گونه که گروهی بعد از مرگ اسماعیل به این امر معتقد شدند و گفتند: او نمرده و همان امام غائب از آل محمد (ص) است که وعده قیام او را در آخر الزمان داده‌اند. این جماعت را فرقه اسماعیلیه می نامند (همان ، ص ۵۴۶)

۵ – شیخ طبرسی بخش چهارم کتاب را به ادله امامت ائمه دوازده‌گانه و تاریخ زندگی امام دوازدهم اختصاص داده است. او می‌گوید: در این قسمت از کتاب دو مطلب مهم در نظر گرفته شده است و پیرامون هر یک از آنها به تفصیل گفتگو می‌کند: ۱– نصوص و روایاتی که از حضرت رسول درباره ائمه دوازده گانه از طریق عامه و خاصه،

مخالف و موافق ذکر شده است. ۲ – دلائل و براهین واضحه بر امامت خاصه حضرت صاحب الزمان. در مورد قسمت اول، طبرسی با توجه به روایات در این باب، استدلال بر حضرت جانشینان پیامبر در امامان شیعه می‌کند، و می‌گوید: اخبار وارده درباره ائمه اثنی عشر از طرف گروهی از علمای عامه وارد شده و با سندهای محکم در کتب و مسانید آنان ثابت گردیده، لذا صحت صدور اینگونه روایات مسلم است و باید این اخبار را قطعی الصدور دانست. چون صدور این اخبار به تواتر، از معدن وحی و تنزیل (پیامبر) ثابت است و برای آنها معارضی نیست. لذا محدثان عامه اگرچه از نظر مضمون با علمای امامیه اختلاف دارند، این احادیث را نقل کرده‌اند. در ادامه از طریق اهل سنت روایاتی را نقل می‌کند که به تعداد ائمه (عدد دوازده) اشاره دارد. مثلاً سعدبن ابی وقاص می‌گوید: ... من از پیامبر شنیدم که فرمود: دین من تا قیامت پابرجا خواهد بود و دوازده نفر از قریش خلیفه شما خواهند شد... طبرسی سپس از طریق شیعه نیز چنین روایاتی را نقل می‌کند. وی فقط به ذکر روایات بسینده نمی‌کند بلکه در ادامه ادله‌ای عقلی نیز بر شایستگی امامان شیعه برای احراز مقام امامت ذکر می‌نماید و می‌گوید: یکی از دلائل روشن در مورد امامت ائمه کثرت علوم و اطلاعات فوق العاده آن بزرگواران می‌باشد، به طوری که دانش‌های مختلف در میان اقوام مختلف، تمام آنها در نزد آل محمد (ص) جمع شده است. دلیل دوم، اجماع امت اسلام بر طهارت و عدالت آنان است دلیل سوم مسلمانان اتفاق بر مقام و منزلت و شرف آنان دارند و گروه زیادی معتقد به عصمت آنان‌اند و از آنان معجزات و کرامات زیادی نقل نموده‌اند. دلیل چهارم، حتی مخالفان و غاصبان حکومت از آنان به بزرگی یاد می‌کنند. دلیل پنجم، طوائف مختلف مسلمانان به قبور آل محمد متوجه می‌شوند و از مشاهده مشرفه آنان تکریم و تعظیم می‌نمایند، به آنان متوسل می‌شوند و چه بسا حاجت نیز می گیرند (طبرسی، ۱۴۱۷، ۲/ ۲۰۱).

۶ – شیخ طبرسی در پایان کتاب به پاسخ شبهات در مورد غیبت امام زمان (عج) پرداخته و هفت شبهه با جواب آن را ذکر می‌کند (همان، ۳۱۱/۲).

۳ – ۳ دیدگاه‌های کلامی علی بن عیسی اربلی در *کشف الغمه*

با اینکه روش اربلی در کتاب *کشف الغمه* بر اساس نقل و گردآوری مطالب تاریخی از متون و آثار گذشتگان در مورد شرح حال امامان می‌باشد (اربلی، ۱۴۰۱، ۷۵/۲) و اعتماد او در غالب نقل های تاریخی بر کتاب های جمهور است (همان، ۴/۱)، در موارد زیادی بعد از ذکر یک حادثه تاریخی از آن استفاده‌های کلامی در جهت اثبات عقاید شیعه می‌نماید که به ذکر مواردی از آن می‌پردازیم:

۱ – اربلی می‌گوید: در مناقب خوارزمی از قول ابن عباس از رسول خدا روایت شده است: اگر همه مردم بر محبت علی بن ابیطالب (ع) اجتماع می‌کردند خداوند جهنم را خلق نمی‌کرد. او می‌گوید: عده‌ای از مخالفان خواسته‌اند در صحت این قبیل روایات و در خود این روایت خدشه و تردید کنند و روای و معتقد به روایت را قدح نمایند. اربلی در مقام دفاع از روایت ابن عباس بیان می‌کند: همچنانکه محبت نبی فروغ بر معرفه الله و توحید و عمل به اوامر و اجتناب از نواهی اواست، بدین ترتیب روشن است که اگر همه مردم بر این اساس و باور قلبی باشند ضرورتی ندارد، خداوند جهنم را خلق کند (اربلی، ۱۴۰۱، ۵۶/۱). این مطلب را در قالب یک قیاس استثنایی می‌توان بیان کرد. اگر مردم بر محبت علی اجتماع می‌کردند خداوند جهنم را خلق نمی‌کرد لکن مردم بر محبت علی (ع) اجتماع نکردند پس خداوند جهنم را خلق کرد.

۲ – اربلی در مورد عظمت علم امام علی(ع) می‌گوید: رؤسای تمام فرقه‌های کلامی معروف مانند معتزله، اشاعره، خوارج خود را منسوب به علی در علم می دانند و این دلیل بر عظمت علم امام دارد (همان، ۱۳۱/۱).

۳– اربلی در مورد برتر بودن علی (ع) بر سایر صحابه اخبار زیادی را آورده است. آنگاه بعد از ذکر حدیثی از کتاب *الاربعین* حافظ ابی بکر از طریق انس بن ملک نقل می‌کند که پیامبر فرموده‌اند: أنا و علی حجه الله علی عباده، اربلی می‌گوید: این حدیث دلیل بر جایگاه بلند امیرالمؤمنین است که کسی از مردم در این مقام با آن برابری نمی‌کند. زیرا پیامبر علی را مانند خودش حجت بر مردم قرار داده است و افعال و اقوال علی مانند افعال و اقوال پیامبر بر مردم حجت است و هرچه برای نبی است برای علی نیز ثابت است. البته نبوت به دلیل قطعی از این حکم خارج است اما سایر ولایت‌هایی

که پیامبر بر مردم داشت بری علی نیز ثابت است و این مسأله برای کسی که انصاف داشته باشد واضح است (همان، ۱۶۱/۱ – ۱۶۲) .

۴ – اربلی به هنگام بیان معنا و مصداق اهل بیت به بیان جریان غدیرخم می‌پردازد و می‌گوید: *... فقال ألست أولی بالمومنین من انفسهم؟ قالوا بلی فقل : اللهم من کنت مولاه فعلی مولاه، الهم وال من والاه و عاد من عاده ثلاث مرات، الا فلیبلغ الشاهد الغایب.* او می‌گوید : هر کسی در هدف این کلام دقت کند هواهای نفسانی را به کناری بگذرد و انصاف دهد برای او روشن می‌شود که این حدیث، نص آشکاری بر امامت علی است و ولایت را برای علی قرارداده به همان صورتی که برای پیامبر ثابت بوده است (همان، ۶۰-۵۰/۱).

اربلی می‌گوید اگر کسی از عامه بگوید این اخباری که در فضائل علی نقل کرده است خبر واحد است که برای اثبات مطلوب کافی نیست، جواب می‌دهیم که ما شیعیان فضائل امام علی (ع) را از طریق اصحاب خود و اجماع آنان نقل می کنیم و حاجتی به خبرهای واحد نداریم هر چند شما (عامه) به خبر واحد عمل می کنید البته اخبار واحد در فضائل امام علی نیز در مجموع ایجاد یک نوع تواتر معنوی می‌کند (همان، ۵۲/۲-۵۳).

۵ – اربلی بعد از نقل جریان فدک می‌گوید: ابوبکر از فاطمه بیّنه خواست و او علی و امّ ایمن را آورد، ابوبکر گفت: زن دیگری را به عنوان شاهد بیاور. اربلی می‌گوید: این عمل خلیفه کار عجیبی است! زیرا اگر فاطمه زهرا میراث پدری، را طلب می‌کرد که [ارث] احتیاج به شاهد ندارد و اگر فاطمه ادعا می‌کرد که پدرش آن را به او بخشیده سخن خلیفه در جواب حضرت زهرا (س) که گفت: پیامبر فرموده: نحن معاشر الانبیاء لانورث دیناراً و لا درهماً... کلام بی‌معنایی است (همان، ۱۰۴/۲).

۶ – اربلی در کتاب کشف الغمه جریاناتی تاریخی را ذکر می‌کند که اشاره به یکی از مبانی کلامی‌شیعهف یعنی اعتقاد به علم غیب ائمه دارد. مثلاً او از قول دعبل‌بن علی خزاعی نقل می‌کند: وقتی خدمت امام رضا (ع) رسیدم و قصیده معروف خود را در مورد فضائل اهل بیت برای حضرت قرائت کردم وقتی به اینجا رسیدم:

خروج امام لامحاله خارج (واقع) یقوم علی اسم الله و البرکات
یمیز فینا کل حق و باطل و یجزی علی النعماء و النقمات

حضرت رضا گریه کردند و پس از آن سر مبارک را بلند کرده و فرمود : ای خزاعی این دو بیت را روح القدس در زبان تو گذاشته است. آیا می دانی این امام کیست؟ و چه وقت خروج می‌کند؟ عرض کردم: نمی دانم ... حضرت فرمود: ای دعبل امام بعد از من فرزندم محمد است و بعد از او فرزندش علی است و بعد از وی حسن است، و بعد از حسن فرزندش که او را حجت و قائم و منتظرش گویند... اگر جز یک روز از عمر دنیا بیشتر نماند، خداوند آن روز را طولانی خواهد کرد تا قائم ظهور کند و جهان را از عدل و داد پر سازد، پس از اینکه از ظلم و جور پر شده باشد (همان، ۱۱۸/۳).

۴ – مقایسه تحلیلی مطالب کلامی سه اثر کهن در تاریخ شیعه

این سه کتاب را از جهت مختلف می‌توان مورد بررسی مقایسه‌ای قرار داد مانند: ۱ – ذکر موارد مشترک در ساختار نوشتاری و نگارشی آنها ۲ – کیفیت نقل اخبار از نظر بیان سند و اعتدال در نوشتار ۳ – اجمال و تفصیل مطالب نقل شده در مورد امامان ۴ – نقادی اخبار تاریخی ۵ – کییفیت استفاده از منابع و مصادر ۶– استفاده از شیوه‌های ادبی ۷ – سبک و شیوه تاریخ نگاری اما تحقیق حاضر به بررسی مقایسه‌ای تحلیل های کلامی در این سه اثر تاریخی می‌پردازد.

۴ – ۱ – شرایط زمان و مکان و موقعیت اجتماعی و سیاسی و مبانی کلامی مؤلفان سه کتاب الارشاد، *اعلام الوری* و *کشف الغمه* در نحوه نگرش آنان به پدیده‌های تاریخی و استفاده‌های کلامی از حوادث تاریخی و حجم مطالب نقل شده تأثیر مهمی داشته است. شیخ مفید در دوره‌ای زندگی می کند که پادشاهان آل بویه با گرایشات شیعی حاکمیت دارند. این موقعیت، فضای سیاسی، اجتماعی و فرهنگی مناسبی را برای بیان دیدگاه‌های کلامی خاص شیعیان به وسیله علمای شیعه فراهم کرده بود. به همین دلیل شیخ مفید در نقل مطالب تاریخی موضع قاطعانه‌تری را اختیار نموده و با ذکر سند و استدلال‌های عقلی سعی در اظهار عقاید خاص شیعیان ذیل بسیاری از وقایع تاریخی داشته است. در حالی که این موضع را کمتر در دو کتاب *اعلام الوری* و *کشف الغمه*

مشاهده می کنیم. زیرا اربلی و شیخ طبرسی در دوره‌ای (قرن ۶ و ۷ ق) زندگانی می‌کنند که شیعیان در اقلیت، حکومت در بیشتر نقاط در اختیار اهل سنت است. این مسأله سبب رواج تشیع معتدلی در این دروان بین عالمان شیعی گردید (جعفریان، ۱۳۸۰، ص ۶۰۱ – ۶۰۲). بر اساس این نگرش اربلی و طبرسی سعی در نقل روایات از مجرای مخالفن نیز دارند. در کلام ایشان کمتر طعن و اعترض نسبت به مخالفان مشاهده می‌شود، تا از تهمت تعصب به دور باشند اخبارشان مورد قبول مخالفان نیز واقع شود، به علاوه از تحریک مخالفان علیه شیعیان و آسیب آنان نیز در امان باشند (جعفریان، ۱۳۸۰، ۲ بخش تشیع اعتدالی در قرن ۶ و ۷ق). همین امر سبب گردیده تا از جانب عده‌ای از علمای شیعه بر شیخ طبرسی و اربلی خرده گرفته شود و آنها را متمایل به مخالفان (اهل سنت) معرفی کنند (تنکابنی، ۱۳۸۰، ص ۴۰۷). در مورد مواضع معتدلانه اربلی می گویند: *کشف الغمه* این اثر گرانبها، بر مبنای همین تفکر اعتدالی نوشته شده است، مولف کوشیده تا از مسائل اختلافی پرهیز کند و کتاب را به گونه‌ای تدوین نماید که در اختیار اهل سنت نیز قرار گیرد، درست همین موضع او بود که سبب شد این کتاب در محافل سنی مذهب نیز باقی بماند و تأثیر قابل ملاحظه‌ای در بسط تشیع در میان اهل سنت بر جای بگذارد (جعفریان، ۳۸۰، ۶۰۱/۲-۶۰۲).

به ذکر بعضی از مواردی اشاره می کنیم که مؤلفان این سه اثر دیدگاه‌های متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند.

۴ – ۲ – شیخ مفید و کتاب الارشاد

شیخ مفید به بیعت تحمیلی برای ابوبکر و توطئه‌ای که برای غصب خلافت به وسیله عمر و ابوبکر به کار رفت، اشاره می‌کند و در ادامه به نقش اساسی و کلیدی امیرالمومنین در حل معضلات دوران خلفا می‌پردازد. در حالی که در کتب *اعلام الوری* و *کشف الغمه* به مطلب اخیر اشاره‌ای نیز نشده است.

وی می‌گوید: (۴۱۳، ۱۸۹/۱۱-۱۹۱) به دلیل اشتغال امیرالمومنین به امور بعد از وفات رسول الله مردم فرصت را غنیمت شمردن (از آن سوء استفاده کردند) و اقدام به تعیین خلیفه نموده ابوبکر را برای این امر انتخاب کردند... بیعت با ابوبکر، فتنه‌ای

عمومی و بلای فراگیر و کار بدی بود که اتفاق افتاد و به واسطه این کار شیطان قوی شد، اهل تهمت و دشمنی با هم همکاری کردند اهل ایمان در ردّ آن خوار شدند. و این معنای قول خداوند است که می فرماید: *و اتقوا فتنه لا تصیبن الذین ظلموا منکم خاصه.* شیخ مفید می‌گوید: در روز وفات رسول خد حضرت فاطمه (س) ناله می‌کرد که صبح بدی است. وقتی ابوبکر این قول را شنید گفت که صبح بدی برای تو است. (همان، ۱۸۹/۱).

از این سه کتاب تنها کتاب *الارشاد* به بحث در مورد حدیث یوم الدار پرداخته و از آن استفاده کلامی‌کرده است. شیخ مفید می‌گوید: این داستان می رساند که پیغمبر به همراهی و کمک علی بود که توانست رسالت خویش را به مردم ابلاغ کند و دعوت خود را آشکار نماید ... و اگر او نبود دین پا برجا نمی‌شد و شریعت مستقر نمی‌گشت و دعوت رسول خدا آشکار نمی‌شد پس آن حضرت یاور اسلام و وزیر پیامبرگرامی خدا بود ... (شیخ مفید، ۱۴۱۳، ۲۸۶/۱) عمر می‌دانست که سعد و عبدالرحمن و عثمان در رأی و تدبیر با یکدیگر مخالفت نکنند و با هر کدام یک از اینان بیعت شود، آن دو با اویند [عبدالرحمن پسر عموی سعد وقاص است و عثمان داماد عبدالرحمن است] پس دستور داد هر که با ایشان مخالفت کرد او را بکشند، و باکی نداشت که طلحه کشته شود و پس از آن من و زبیر را بکشند. به خدا سوگند اگر عمر زنده بماند، بداندیشی او را در گذشته و حال به او نشان خواهم داد، و اگر مرد هر آینه در آن روز که میان حق و باطل جدا شود من و او به هم خواهیم رسید.

۴ – ۳ – طبرسی و کتاب *اعلام الوری*

طبرسی در کتاب *اعلام الوری* در هنگام نقل زندگی حضرت زهرا کمترین اشاره‌ای به برخورد وی با حاکمیت و روابط میان آن حضرت با خلیفه اول و دوم نکرده است (طبرسی، ۱۴۱۷، ۲۹۰/۱-۳۰۱).

وی در جریان دفن امام مجتبی می‌گوید: از اول قرار بود در کنار جده‌اش فاطمه بنت اسد دفن شود و برای تجدید عهد او را به کنار قبر جدش برده بودند. وی از قول امام حسن خطاب به امام حسین نقل می‌کند، که امام فرمود: تابوت مرا به طرف قبر جدم

ببر تا با او تجدید عهدی کنم. (همان، ۴۱۴/۲). و یا در هنگام بیان جریان و اتفاقات بعد از رحلت پیامبر خدا اشاره‌ای مختصر به بیعت مردم و صحابه با ابوبکر می‌کند و سریع از آن می‌گذرد و یادآوری می‌کند که در محلش به آن می‌پردازد (همان، ۲۷۱/۱). ولی در ادامه حتی به هنگام بیان شرح حال زندگی امیرالمومنین اشاره‌ای به این جریان نمی‌کند.

۴ – ۴ – اربلی و کتاب *کشف الغمه*

اربلی نیز همانگونه که خود در مقدمه *کشف الغمه* بیان کرده است، ون اعتماد او در نقل بر کتب جمهور است از این رو مباحث اختلافی در کتاب او کمتر دیده می‌شود. وی در نقل وقایع وفات رسول الله حتی اشاره‌ای به جریان «نیاوردن قلم و دوات» نمی‌کند و ذکری از جریان بیعت و خلافت تحمیلی بعد از پیامبر به میان نمی‌آورد (اربلی، ۱۴۰۱، ۱۸/۱).

اربلی به هنگام شرح حال زندگی حضرت فاطمه (س) و جریان فدک، خطبه آن حضرت را نقل می‌کند، و بعد از بیان شهادت آن حضرت، می افزاید: در میان سخنان آن حضرت مواردی وجود دارد که شدت تألم و ناراحتی آن حضرت را از کسانی که حق او را غصب کرده و به وی ظلم کرده‌اند نشان می‌دهد. اما من از ذکر آنها پرهیز کرده و از سخن گفتن در این باره خودداری می‌کنم. زیرا هدف من از نگارش این کتاب، شرح مناقب و مزایای این خاندان و آگاه کردن ناآگاهان به مناقب این بزرگواران بوده است. اما ذکر مسائل دیگر و تفحص در کارهای زشت و شر دیگران، از اهداف من نبوده و مؤکول الی یوم الحساب است (اربلی، ۱۴۰۱، ۱۳۲/۲).

از این سه کتاب تاریخیف کتاب *کشف الغمه* روایاتی را ذکر می کند که به دلیل غیرقابل قبول بودن مفاد و متن روایت در نظر اربلی، وی به نقادی آن پرداخته و یا سعی در تأویل آن نموده است. به رغم آنکه بخش مهم کتاب *کشف الغمه* نقلیات تاریخی است مولف کوشیده تا اخباری که با عقل طبیعی موافقت دارد، بپذیرد و از آنچه با این معیار پذیرفتنی به نظر نمی رسد، بگذرد (جعفریان، ۲، ۱۳۸۰ / ۶۰۲). از باب نمونه به ذکر مواردی از نقدهای اربلی می‌پردازیم.

نقد اول، وی ذیل عنوان «فی ذکر الامامه و کونهم خصوا بها و کون عددهم منحصرا فی اثنی عشر اماما» (اربلی ۱۴۰۱، ۵۴/۱) ادله‌ای را به نقل از کمال الدین ابن طلحه درباره دوازده بودن ائمه نقل می‌کند، وی ادله او را نپذیرفته و می‌گوید: (همان، ۵۶/۱) «آنچه را که او به عنوان دلیل (در دوازده بودن ائمه) ذکر کرده، برای اثبات مطلوب کافی نیست» و عقل اقتضای تعیین عدد معلومی نمی‌کند. چیزی که بر آن در این باره اعتماد می‌توان کرد، صریح نقل است یا تأویل اگر احتیاجی به تأویل باشد. و بعد روایتی را از طریق مسلم (صحیح مسلم) از پیامبر نقل می کن که حضرت تعداد جانشینانشان را ۱۲ عدد خلیفه ذکر می فرماید. در ادامه اربلی استدلال می‌گوید: این جانشینان که اهل سنت در کتابهایشان تعداد آنها را ۱۲ نفر اعلام کرده‌اند چه کسانی‌اند؟ از سه حالت خارج نیست. ۱ – یا مراد خلفاء و حاکمان بنی امیه و بنی عباس اند. این حرف صحیح نیست چون تعداد آنان از ۵۰ نفر هم بیشتر است. ۲ – یا می‌گویند این اخباری که در کتاب‌های آنان در مورد عدد ائمه بعد از پیامبر آمده است صحیح نیست، این حرف نیز چون ضعفی برای کتاب‌های آنان است به سود ما می‌باشد و از آنها تشکر می کنیم. ۳ – یا اقرار می‌کنند که مراد از این جانشینان، ائمه اثنی عشر است که چاره‌ای جز قبول این قول را ندارند انصاف نیز آن را اقتضاء می‌کند. در این صورت طریق حق را پیموده‌اند (همان، از ۵۶ – ۵۷).

نقد دوم، اربلی بعد از بیان روایتی از کتاب *الارشاد* مفید درباره شهادت امام رضا به وسیله سم، آن را مورد نقد قرار می‌دهد و از رضی الین علی ابن طاووس نقل می‌کند که مأمون امام را مسوم نکرده است و برای اثبات این نظریه این مطالب زیر را آورده است (همان، ۲۸۲/۳ – ۲۸۳) با توجه به اینکه ابن طاووس فردی پر مطالعه و جستجو گر در اینگونه مسائل است بنابراین قول او در این باره دقیق‌تر می‌باشد: تمایل زیاد مأمون به امام رضا و ترجیح دادن او بر اهل و عیالش دلیل بر درستی قول سیدبن طاووس است. «شیخ مفید چیزی را ادعا کرده که برای عقل من (اربلی) قابل قبول نیست.»

نقد سوم، اربلی در مورد اخبار پیامبر به شهادت امام حسین در حالی که علی و فاطمه و حسنین نزد او بودن، تردید می‌کند، و می‌گوید و عندی فیه نظر. تعجب اربلی از این مطلب است که امام حسین با این کمی سن چگونه تاب تحمل شنیدن این خبر

را دارد و چطور مادرش از آنچه بر فرزندش در آینده می گذرد متأثر نمی‌شود و تحمل شنیدن این خبر را دارد و چگونه پیامبر این مطلب را در مقابل او بیان می‌کند. (همان، ۲۲۰/۲-۲۲۱). لازم به تذکر است که برخورد عقل گرایانه اربلی در مورد بعضی از اخبار تاریخی به معنای این نیست که او معجزات و کرامات را در مورد معصومان نمی پذیرد، زیرا وی در هنگام ذکر حوادث زندگی هر امامی، کرامات و معجزات آن امام را نیز گزارش می‌کند.

نتیجه

کتاب *الارشاد* شیخ مفید در کنار کتاب أعلام الوری طبرسی، *کشف الغمه* اربلی و روضهٔ الواعظین فتال نیشابوری از آثار با ارزشی اند که از قرن ۵ تا قرن ۷ ق درباره زندگی ائمه نگاشته شده‌اند. در این کتاب ها دیدگاه‌های تاریخی شیعه درباره سیره رسول خدا و شرح حال زندگی فاطمه زهرا و ائمه اثنی عشر و مناقب، فضائل و کرامات آن بزرگواران جمع آوری شده است. این سه کتاب، تنها کتاب تاریخی محض نیستند، بلکه علاوه بر ذکر وقایع تاریخی در مورد زندگی امامان شیعه، به نقل مناقب و فضائل، ادله امامت و کرامات آن بزرگواران نقل بعضی از روایات از آنان نیز پرداخته اند و ذیل نقل بسیاری از اخبار و وقایع تاریخی، از آنها بهره‌های کلامی لازم را در جهت اثبات حقانیت امامان شیعه برده‌اند. این کتابها به عنوان منابع و مصادر اصلی در تاریخ اسلام و زندگانی امامان شیعه به شمار می‌روند. نویسندگان این کتابها کوشیده‌اند تا با استفاده از منابع و مصادر تاریخی و روائی پیشین، متنی قابل اعتماد درباره تاریخ زندگی معصومین در اختیار مسلمانان به ویژه شیعیان قرار دهند.

کتاب *الارشاد* شیخ مفید همانند کتاب الجمل با انگیزه‌های کلامی به منظور اثبات امامت امامان شیعه نگاشته شد. به همین دلیل ذیل بسیاری از اخبار تاریخی از آنها استفاده‌های کلامی نموده است. شیخ مفید در نقل اخبار تاریخی خصوصاً مسائل اختلافی موضع قاطعانه‌تری اختیار نموده و با ذکر حوادث خاص تاریخی و استدلال‌های عقلی و کلامی در مورد آنها، سعی در بیان عقاید خاص شیعیان را دارد. در حالیکه این شیوه در کتابهای *اعلام الوری* و *کشف الغمه* کمتر مشاهده می‌شود. این مسأله به دلیل

فضای سیاسی و اجتماعی حاکم در قرن ۶ و ۷ ق است. اربلی در نقل اخبار تاریخی از منابع اهل سنت به صورت گسترده استفاده نموده است، و این امر تا حدودی در کتاب *اعلام الوری* نیز مشاهده می‌شود هر چند این مسأله سبب گردید، تا کتاب‌های آنان با اقبال عمومی اهل سنت روبرو شود و در بسط تشیع در بین آنان تأثیر مثبتی داشته باشد. و همین امر سبب شد تا از جانب بعضی از علمای شیعه بر شیخ طبرسی و اربلی خرده گرفته شو و آنان را متمایل به مخالفان معرفی کنند. در حالی که شیخ مفید در نقل اخبار تاریخی بیشتر از کتب اصحاب استفاده نموده است.

از مقایسه تحلیلی این سه کتاب این مطالب قابل استفاده است

۱ – شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اجتماعی و سیاسی مورخ در نحوه نگرش، شیوه بیان و حجم نقل مطالب تاریخی از نظر کمی و کیفی تأثیر مهمی دارد. این مسأله به وضوح در سه کتاب مورد بحث قابل مشاهده است.

۲ – مبانی و نگرش‌های کلامی مورخ در استفاده کلامی از حوادث تاریخی در جهت اثبات دیدگاه‌های کلامی او تأثیر بسزایی دارد. اندیشمندان این سه کتاب به دلیل گرایشات کلامی سعی در بهره‌برداری از حوادث تاریخی در جهت تقویت عقاید خاص شیعیان را داشته اند که این مسأله در کتاب *الارشاد* از برجستگی خاصی برخوردار است.

۳ – هرگاه مورخ در نقل وقایع تاریخی رعایت اعتدال را بنماید نوشته‌های تاریخی او با اقبال بیشتری روبرو خواهد شد و تأثیر مثبتی در بسط دیدگاههای مورخ خواهد داشت. استفاده از این شیوه در کتاب *اعلام الوری* و *کشف الغمه* قابل مشاهده است.

در دوره‌های آغازین تاریخ نگاری اسلامی تک‌نگاری هایی به وسیله مورخانی که دارای گرایشات شیعی بوده‌اند، در مورد زندگانی و تاریخ بعضی از امامان شیعه (ع) نوشته شد، مانند مقتل الحسین از لوط‌بن یحیی‌بن سعیدبن مخنف‌بن سلیم آزدی (۹۰ – ۱۵۷ ق) و رقعه الصفین از نصر بن مزاحم‌بن سیار منقری (م ۲۱۲۳ ق) و یا تاریخ یعقوبی از احم‌بن اسحاق‌بن جعفربن وهب‌بن واضح (م ۲۸۴ ق) که به شکل دائره المعارف گونه رویدادهای آغاز خلقت تا قرن ۳ ق یعنی زمان امام حسن عسگری (ع) را در قلمرو تاریخ جای داده است. اما کتابی که به صورت گسترده و از منظر تاریخی و

کلامی به ذکر شرح حال زندگانی امامان شیعه (ع) بپردازد تا اوایل قرن ۵ نگاشته نشده بود.

ویژگی برجسته کتاب «الجمل» بیان تاریخ در قالب یک بحث کلامی است، زیرا جنگ جمل، منشاء اختلافات مسلمانان درباره تحریف قرآن، کفر، ایمان و فسق گردید. شیخ مفید به عنوان یک متکلم و مورخ زبردست شیعه با شیوه‌ای تازه این واقعه تاریخی را مورد بازنگری قرار داد و اثر جاودان الجمل را تألیف نمود.

البته در مقابل این استبعاد اربلی می‌توان گفت که اینگونه اشکالات اجتهاد در برابر نص است. زیرا در مورد شهادت حضرت به دست مأمون روایات زیادی وارد شده است. به این نقد اربلی، علامه مجلسی (۳۱۳/۴۹) و قمی (فوائد الرضویه، ۳۱۶ – ۳۱۷) پاسخ داده‌اند.

کتابشناسی

اربلی، علی‌بن عیسی، *کشف الغمه فی معرفه الائمه*، بیروت، دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۰۱ق.

همو، التذکره الفخریه ، تحقیق نوری حمودی القیسی، عراق، المجمع العلمی العراقی ۱۴۰۴ ق.

ابن شهر آشوب، ابوعبدالله، محمد بن علی، معالم العلماء، قم، بی تا.

افندی، میرزا عبدالله، ریاض العلماء، تحقیق سید احمد حسینیف، قم، انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی، ۱۴۰۱ ق.

ابن کثیر، ابوالفداء الحافظ الدمشقی، البدایه و النهایه، تحقیق عبدالوهاب فتیح، قاهره، دارالحدیث، ۱۴۱۳ق.

ابوالعباس احمد بن علی النجاشی، رجال النجاشی، بیروت، دارالاضواء، ۱۴۰۸ ق.

امین، سید محسن، اعیان الشیعه، بیروت، دارالتعارف للمطبوعات ۱۳۴۱.

ابن قتیبه دینوری، الامامه و السیاسه، قاهره، مکتبه مصطفی البانی ۱۳۸۳ق.

ابن خلدون، عبدالرحمن محمد، مقدمه ابن خلدون، ترجمه پروین گنابادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی ۱۳۷۵.

ابن منظور، لسان العرب، بیروت ، دارالتراث العربی ۱۴۰۸ ق.
ابن فوطی، کمال الدین عبدالرزاق بن احمد شیبانی، الحوادث الجامعه، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ۱۳۸۱.
آئینه‌وند، صادق علم تاریخ در گستره تمدن اسلامی، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۷.
تنکابنی، میرزا محمد قصص العلماء، تحقیق محمد رضا شریفی خوانساری،قم ، انتشارات حضو ر ۱۳۸۰.
جعفریان، رسول منابع تاریخ اسلام، قم ، انصاریان، ۱۳۷۶.
همو، علی‌بن عیسی اربلی و کشف الغمه، مشهد ، بنیاد پژوهش‌های اسلامی ۱۳۷۳.
حموی، یاقوت، معجم البلدان، بیروت، داراحیاء التراث، دوره ۵ جلدی.
دشتی، محمد، ترجمه نهج البلاغه، قم الهادی، ۱۳۷۹.
زیدان، جرجی، تاریخ تمدن اسلام، ترجمه علی جواهر الکلام، تهران، امیر کبیر ۱۳۶۶.
بشر، عبدالله، تفسیر شر، دارالاسوه، قم.
طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن، الفهرست، تهران: مؤسسه نشر اسلامی ۱۴۱۷ ق.
طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، تحقیق محمد هادی به و ابراهیم بهادی، قم اسوه ۱۴۱۳ ق.
طبرسی، ابوعلی فضل بن الحسن، اعلام الوری باعلام الهدی، قم ، موسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۱۷ق.
طریحی، فخرالدین، مجمع البحرین، کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۶۲.
طهرانی، آقا بزرگ، الذریعه الی تصانیف الشیعه، بیروت، دارالاضواء ، ۱۴۰۳ ق.
عاملی، جعفر مرتضی، سیره صحیح پیامبر بزرگ اسلام، مترجم حسین تاج آبادی، قم موسسه فرهنگی انتشاراتی گرافیک، ۱۳۷۳.
قمی، شیخ عباس، الفوائد الرضویه فی احوال علماء المذاهب الجعفریه، تهران، انتشارات مرکزی بی تا.
کریمان، حسین، طبرسی و مجمع البیان، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۴۰.
کتبی، محمد بن شاکر، فوات الوفیات، تحقیق احسان عباس، بیروت، دار صادر ۱۹۷۴م.

الکافیجی، محی الدین، المختصر فی العلم التاریخ، تحقیق محمد کمال الدین عزالدین، بیروت، عالم الکتب، ۱۴۱۰.
لوکاس، هنری، تاریخ تمدن، ترجمه عبدالحسین آذرنگ، تهران، انتشارات کیهان، ۱۳۶۶.
مفید، ابوعبدالله، محمدبن نعمان، الفصول المختاره من العیون و المحاسن، ترجمه جمال الدین محمدبن آقا حسین محقق خوانساری، تهران، انتشارات رنگین، ۱۳۳۹.
همو، الارشاد فی معرفه حجج الله علی العباد، تحقیق موسسه آل البیت، دارالمفید، ۱۴۱۳ق.
مجلسی، محمد باقر، بحارالانوار، بیروت، موسسه الوفاء ۱۴۰۳ ق.
منتجب الدین، ابی الحسن علی‌بن بابویه رازی، فهرست شیخ منتجب الدین، تحقیق جلال الدین محدث أموری، قم، کتابخانه آیت الله مرعشی ۱۳۶۶.
نوبختی، ابی محمد الحسن‌بن موسی، فرق الشیعه، نجف، چاپخانه حیدریه، ۱۹۳۶ م.